بانوی مثنوی خراسان

ناهید عبقری بانوی مولوی‌پژوه مشهدی است که در آستانه هفتادسالگی، ۳ دهه از عمرش را صرف تهیه کتاب «شرح مثنوی معنوی، با نگاهی تطبیقی به مبانی عرفان نظری» کرده و بالغ بر ۴۰۰۰ صفحه شرحی بر مثنوی معنوی به نگارش درآورده است.

فرناز محمدیان
کارشناس ارشد حقوق خصوصی

شهرداد

خدمات رایگان کانون وکلا برای زنان آسیب‌پذیر

انواع مسائل خانوادگی از جمله طلاق، مهریه، حضانت اطفال و نفقه بیشترین موضوعات مراجعه مردم به وکلا و بهره‌گیری از خدمات مشاوره و وکالت ایشان است. از یک سو اغلب این خدمات به صورت رایگان در اختیار افراد قرار داده نمی‌شود و از سوی دیگر، زنان جامعه با نهادهایی که امکان ارائه خدمات رایگان را در این حوزه دارند آشنا نیستند. به همین منظور در این یادداشت تلاش می‌شود برخی نهادهای مؤثر در این حوزه به شهروندان آسیب‌پذیر معرفی شوند.
ابتدا لازم است بدانیم خدمات رایگان در راستای توسعه عدالت قضایی ارائه می‌شود زیرا افراد متمول استطاعت گرفتن وکیل را دارند اما برخی اقشار از گرفتن وکیل ناتوان هستند. لذا باید حق شهروندان از حیث حق برخورداری از وکیل مد نظر قرار گیرد.

اداره معاضدت کانون وکلای دادگستری

طبق اصل ۳۵ قانون اساسی، مردم باید از داشتن وکیل در دعاوی بهره‌مند شوند و بر اساس قانون وکالت (مصوب ۱۳۱۵) و آیین‌نامه‌های بعد از آن، اداره معاضدت کانون وکلای دادگستری به استناد مواد ۲۳، ۲۴ و ۳۱ قانون وکالت تنها مرکزی است که باید کار معاضدتی در امور حقوقی و جزایی برای مردم بی‌بضاعت و ناتوان انجام دهد. برنامه‌ریزی و تدوین راهکاری مناسب برای بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کانون وکلا برای بهره‌مندسازی زنان نیازمند و آسیب‌دیده به‌ویژه زنان قربانی جرائم و اعمال خشونت‌آمیز و مبتنی بر جنسیت نظیر اسیدپاشی، تجاوز به‌عنف، جرائم ناموسی، اخراج به دلیل بارداری یا وضعیت تأهل و... و زنان دارای اختلال هویت جنسی و دوجنسی از جمله خدمات وکلای معاضدتی است.

وکیل معاضدتی

در صورتی که زن تمکن مالی نداشته باشد، می‌تواند از کانون وکلا وکیل معاضدتی درخواست کند. کانون نیز پس از بررسی شرایط متقاضی، به او وکیلی را معرفی می‌کند. وکیل معاضدتی حق دریافت هیچ وجهی تحت عناوین حق‌المشاوره، حق‌الوکاله و غیره را به استثنای هزینه تمبر دادرسی از موکل خویش ندارد. براساس ماده ۳۱ قانون وکالت، وکلا باید وکالت معاضدتی را که از طرف کانون به آن‌ها ارجاع می‌شود قبول کنند و مطابق ماده ۳۳ این قانون، وکلای دادگستری مکلف‌اند هر سال در ۳ دعوای حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت کنند. بنابراین پذیرش آن برای وکلا تکلیف قانونی است و عدم پذیرش آن یا نبود احساس مسئولیت در قبال وکالت معاضدتی و اهمال در انجام وظیفه، تخلف انتظامی برای وکیل محسوب می‌شود.

شرایط زنان برای بهره‌مندی از خدمات وکلای معاضدتی

بر اساس ماده ۲۴ قانون وکالت، ۲ شرط ملاک است: نخست آنکه متقاضی توانایی پرداخت حق‌الوکاله را نداشته باشد و دوم آنکه متقاضی شخصا ذی‌نفع و ذی‌سمت در دعوا باشد.

نحوه مراجعه به وکیل معاضدتی

فرد متقاضی معاضدت باید تصدیق معتمدان محلی یا نیروی انتظامی محل اقامت خود مبنی بر نبود توانایی پرداخت حق‌الوکاله و همچنین رونوشت مدارک دعوا را ضمیمه درخواست کند. در صورتی که اداره معاضدت قضایی لازم بداند توضیحاتی از تقاضاکننده بخواهد، او به وسیله نامه یا اخطار احضار می‌شود. همچنین اداره معاضدت می‌تواند تحقیقاتی در دلایل دعوا کند و هرگاه تشخیص دهد که مقصود تقاضاکننده سوءاستفاده است، از تعیین وکیل خودداری و تقاضا را رد می‌کند. در صورت رد، تقاضاکننده می‌تواند ظرف ۱۰ روز به هیئت مدیره کانون شکایت کند و رأی هیئت مدیره در این باره قطعی است. علاوه بر مستنداتی که متقاضی معاضدت ابراز می‌دارد، اداره معاضدت نیز می‌تواند برای احراز شرایطی که بیان شد توضیحات لازم را از متقاضی بخواهد یا اینکه رأسا تحقیق کند. در عین حال، در فرضی که حکم بر اعسار از پرداخت هزینه دادرسی متقاضی معاضدت صادر شده باشد، به دلالت ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، ارائه حکم مزبور کفایت می‌کند و نیازی به ابراز دلیل دیگری نیست.

حق‌الوکاله وکیل معاضدتی چه می‌شود؟

اگر موکل در پرونده پیروز واقع شود و مبلغی که طرف مقابل محکوم شده است دریافت شود، حق‌الوکاله وکیل به او پرداخت می‌شود. در غیر این صورت، رقم حق‌الوکاله‌های تسخیری و معاضدتی که هر سال در بودجه کل کشور پیش‌بینی می‌شود، به کانون‌های وکلا پرداخت خواهد شد.

زنانی که با آتش دویده‌اند

مریم غنی و فاطمه پیلتن، ۲ بانوی آتش‌نشان مشهدی از ۸ سال کار عاشقانه می‌گویند

آل ابراهیم وحیدی

فرقی ندارد تابستان باشد یا زمستان، بهار یا پاییز. هر زمانی از سال که باشد آن‌ها در حین انجام وظیفه غرق کار می‌شوند. حتی باید در خانه هم حالت آماده‌باش داشته باشند. باید زود به محل حادثه برسند، اما کارشان گاهی ساعت‌ها به طول می‌انجامد. لباس‌هایشان چیزی حدود ۷ تا ۱۱ کیلوگرم به وزنشان اضافه می‌کند. چندین سال است که بانوان آتش‌نشان داوطلب همراه مردان آتش‌نشان، حریق را مانند مومی در دست کنترل می‌کنند و به زعم خودشان، حس خوب نجات یک فرد برای آن‌ها همچون آبی روی آتش کلافگی از گرما و برافروختگی‌شان بعد از عملیات است. به مناسبت روز آتش‌نشان، به سراغ ۲ تن از بانوانی رفته‌ایم که توانسته‌اند کار آتش‌نشانی را به شغلی زنانه هم تبدیل کنند و حس غرور و افتخار را به دیگران هدیه دهند.

برای نجات آدم‌ها باید دل به دریا زد

۸ سال از آن روزی گذشت که خودش را وارد چالش جدیدی کرد، چالشی که به او یاد داد قوی‌تر و سخت‌تر از قبل باشد. مریم غنی متولد فروردین ۱۳۶۳ است. از کودکی عاشق معلمی بود و همین موضوع هم باعث شد با مدرک کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی و مدیریت استراتژیک، مدرس دانشگاه شود. مریم هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد روزی آتش‌نشان شود. اما حالا نایب‌رئیس کمیته آتش‌نشانان و امدادگران خراسان رضوی است. آشنایی مریم با شغل آتش‌نشانی بانوان به ابتدای دهه ۹۰ برمی‌گردد که به طور خیلی اتفاقی اطلاعیه دوره آموزشی آتش‌نشانان داوطلب را در یکی از ایستگاه‌های آتش‌نشانی دید. او می‌گوید: تا پیش از اینکه وارد آتش‌نشانی شوم مانند سایر شهروندان اطلاعات کمی از این شغل داشتم، اما به دلیل روحیه امدادگری که همیشه با من بود آموزش‌های مقدماتی و عملی را که بین ۳ تا ۶ ماه طول کشید پشت سر گذاشتم.
به گفته مریم، پس از گذراندن این دوره‌ها حدود ۷۰ نفر از بانوان به صورت داوطلبی جذب سازمان آتش‌نشانی شدند، ۷۰ بانوی آتش‌نشانی که برای غلبه بر آتش و نجات جان آدم‌ها دل به دریا زدند. او ادامه می‌دهد: به یاد دارم در تمرینات عملیاتی که داشتیم برج‌های دوازده‌طبقه را با دستگاه سنگین تنفسی بالا می‌رفتیم. آن تمرینات برای این بود که توان هوازی‌مان مشخص شود یا مانوری بود و باید شیلنگ‌کشی می‌کردیم. شاید ۲ یا ۳ مرتبه در یک روز این کارها را انجام می‌دادیم. با اینکه لباس‌های ضدحریق به اندازه کافی گرم است و درون آن خیس از عرق هستیم، حتی در گرمای وحشتناک تابستان هم این تمرینات را انجام می‌دادیم. بیشتر برج‌های قاسم‌آباد را برای انجام مانور رفتیم، حتی ساختمان‌هایی که هنوز نیمه‌کاره بودند و نه حفاظی داشتند و نه حتی پله‌های درست و حسابی. چندین ساعت مداوم تمرین می‌کردیم اما با وجود خستگی، حس خیلی خوبی را تجربه می‌کردیم.

اضافه‌وزن در بانوان آتش‌نشان معنایی ندارد

به گفته مریم که از سال ۹۲ تا ۹۸ مسئول تربیت‌بدنی بانوان آتش‌نشان هم بوده است، بانوان آتش‌نشان چه در هنگام آموزش و چه در حین خدمت، آموزش‌ها و دوره‌های عملیاتی سختی را پشت سر می‌گذارند. به همین دلیل، همیشه در سطح بالایی از آمادگی قرار دارند. این موضوع شاید کمی طنز هم داشته باشد، اما اضافه‌وزن در بانوان آتش‌نشان معنایی ندارد به دلیل اینکه تمرینات سخت و آمادگی جسمانی بالایی دارند. او می‌گوید: وزن لباس‌های آتش‌نشانی با توجه به لایه‌بندی آن‌ها بین ۷ تا ۱۱ کیلوگرم متغیر است و با تجهیزات عملیاتی مانند دستگاه تنفسی، دستگاه هیدرولیک، برش، شلنگ و کپسول آتش‌نشانی این وزن تا ۲۱ کیلوگرم هم می‌رسد. علاوه بر این‌ها زمانی که حادثه‌ای رخ می‌دهد باید در کمتر از یک دقیقه لباس‌هایمان را بپوشیم. ضمن اینکه عملیات‌ها سنگین و استرس‌آور است.
اما مریم تحمل تمام این سختی‌ها را با یک جمله ممکن می‌داند که «اگر عاشق کارت باشی، تحمل می‌کنی». مریم می‌گوید: ۳ منطقه برای بانوان آتش‌نشان در نظر گرفته شده است. من جزو منطقه یک هستم و هر ۴ روز یک بار باید برای شیفت اعلام آمادگی کنم. در هر شیفت بین ۸ تا ۱۰ بانوی آتش‌نشان حضور دارند که از ۸ صبح تا ۸ صبح روز بعد در ایستگاه می‌مانند. باید روزهای دیگر هفته را هم در منزل یا محدوده نزدیک منزل باشم تا اگر زمانی حادثه‌ای رخ داد و نیاز به بانوی آتش‌نشان بود، در محل حاضر شوم.

آماده‌باش حتی در خانه

«اگر حادثه‌ای اتفاق بیفتد و در منزل باشیم، برای حضور در محل حادثه به ما اطلاع می‌دهند. این یعنی حتی زمانی که در خانه هستیم، باید تقریبا آماده‌باش باشیم. برای مثال، اگر مورد خودکشی باشد، با همان لباس اداری به محل حادثه می‌رویم اما اگر عملیات اطفای حریق باشد، باید کوله حریق را که در اختیار ما قرار داده شده است و داخل آن شلوار، کت، کفش، کلاه حریق و دستکش ایمنی هست برداریم. بعد از آن، خود را با وسیله شخصی یا تاکسی به محل حادثه می‌رسانیم که باوجود استرسی که در آن لحظات تحمل می‌کنیم، گاهی به دلیل ترافیک و بعد مسافت، زمانی به محل حادثه می‌رسیم که عملیات تمام شده است.»
شمار عملیات‌هایی که تا به حال انجام داده، از دستش در رفته است اما بیشتر عملیات‌هایی که حضور داشته مربوط به محبوسی بوده است. یادم هست که در منزل بودم و به من اطلاع دادند، محبوسی یک خانم در سرویس بهداشتی یک ساختمان اداری بود. مدت طولانی در آن‌جا محبوس شده و خیلی ترسیده بود. هم‌زمان با آتش‌نشانان مرد به محل حادثه رسیدیم. به یاد دارم که همکاران مرد می‌خواستند در را بشکنند اما من پیشنهاد دادم از دیلم استفاده کنند. به این ترتیب، بدون آسیب به در، آن خانم با امنیت کامل از آن‌جا خارج شد.

مدیریت بحران، ارمغان شغل آتش‌نشانی

مریم، از طریق شغل آتش‌نشانی با نکات ایمنی و آموزشی آشنا شده است و آن‌ها را در اختیار خانواده، فامیل، دوست می‌گذارد و حتی در مکان‌های عمومی آن‌ها را به دیگران گوشزد می‌کند. «یک مرتبه مهمانی بودیم و در گلوی بچه یکی از دوستانم چیزی گیر کرد. به دلیل اینکه دوره‌های امداد و نجات و همین‌طور مدیریت بحران را یاد گرفته‌ام، طی چشم به هم زدنی، آن شیء را از گلوی بچه خارج کردم. مادر و اطرافیان هول کرده بودند و تا به خودشان آمدند، بچه سالم و سرحال بود و این حس خیلی خوبی برایم داشت. او اضافه می‌کند: پیش از من، کسی در فامیل سابقه شغل آتش‌نشانی نداشت و بعد از اینکه من آتش‌نشان شدم، برای همه‌شان جالب و هیجان‌انگیز بود. بعد از آن هم فامیل، آشنا و غریبه از من برای شغل آتش‌نشانی و نحوه ورود پرس‌وجو می‌کردند.»

خانم‌ها با چه انگیزه‌ای آتش‌نشان می‌شوند

از مریم می‌پرسیم به دلیل اینکه بانوان آتش‌نشان هنوز به صورت داوطلبانه همکاری می‌کنند، دید جامعه به آن‌ها چطور است. او می‌گوید: شاید تا چند سال پیش، از سوی بعضی افراد مورد تمسخر قرار می‌گرفتیم یا ما را دست می‌انداختند که مثلا خانم‌ها با چه انگیزه‌ای آتش‌نشان شده‌اند یا اینکه چقدر سرخوش هستند که سراغ این کار رفته‌اند. اما طی سال‌های اخیر واقعا این دید تغییر کرده است و خیلی‌ها تازه متوجه شده‌اند که بانوی آتش‌نشان هم داریم و دیگر برخورد بد یا واکنش منفی از سوی افراد و جامعه دریافت نکردیم.

بانوانی که آتش‌نشانی را ترک کردند

به گفته مریم، بانوان آتش‌نشان با وجود کار سنگین، سخت و استرس‌آور هنوز به طور رسمی جذب این سازمان نشده‌اند و حقوق ناچیزی در حد حق‌الزحمه دریافت می‌کنند که اگر به عملیات اعزام شوند ۲ برابر می‌شود. در غیر این صورت همان مبلغ برایشان واریز می‌شود. او می‌گوید: ما به دلیل اینکه باید در طول روزهای هفته هم آماده‌باش باشیم، نمی‌توانیم تمام تمرکزمان را برای شغل دیگری هم بگذاریم و با توجه به مشکلات اقتصادی‌ای که در جامعه هست، گذران زندگی سخت می‌شود. به همین دلیل، خیلی از بانوان آتش‌نشان این شغل را ترک کردند و به سراغ کار دیگری رفتند. ضمن اینکه در حین عملیات، امکان وقوع حادثه نیز هست. به طور مثال، مواردی داشتیم که سرنازل شیلنگ در رفته و به چشم بانوان آتش‌نشان خورده و آسیب جزئی به آن‌ها زده است یا حتی در عملیات‌های اطفا، بانوی آتش‌نشانی داشتیم که دچار سوختگی شد. تمام این بانوان می‌دانند که در هر عملیات خطر آن‌ها را تهدید می‌کند، اما عشق به این کار آن‌ها را به ادامه ترغیب می‌کند وگرنه برای ما سابقه و بیمه‌ای هم رد نمی‌شود.
مریم هنوز هم بعد از ۸ سال، ساعت را کوک می‌کند تا روز قبل از شیفت، رأس ساعت اعلام آمادگی کند و به قول خودش، هر ۴ روز یک بار، با عشق، روزی را که شیفت است در تقویم خط می‌کشد. می‌گوید: بعد از ۸ سال هنوز هم حس خوب این کار با من هست و اصلا پشیمان نیستم که وارد دنیای آتش‌نشانی شده‌ام. حیفم می‌آید بعد از اینکه ۸ سال عمر و انرژی‌ام را پای این کار گذاشته و صبر کرده‌ام، حالا آن را ترک کنم. ما بانوان آتش‌نشان امید داریم قول‌هایی که به ما داده شده است امسال یا سال دیگر به ثمر بنشیند، اما حتی اگر قول‌هایی که بابت استخدام به ما داده‌اند هم عملی نشود، من شخصا از انتخاب این شغل خوشحالم.

مادرانگی و آتش‌نشانی را می‌توان با هم جمع بست

فاطمه پیلتن ۴۰ سال دارد و با وجود داشتن ۲ فرزند و خانه‌داری، شغل آتش‌نشانی را هم انتخاب کرده است. او این روزها مدیر منطقه یک بانوان آتش‌نشان نیز هست. علاقه و عشق به آتش‌نشانی را می‌شد از خیلی وقت پیش در او یافت، وقتی که به عنوان فعال اجتماعی در منطقه ۹ مشهد رابط بانوان محله و شهرداری بود و مشکلات مردم را به صورت مستقیم به گوش مسئولان می‌رساند. خانم پیلتن چند سالی هم در تیم فوتسال شهرداری بازی کرده اما شرایط زندگی او را از فوتسال به سمت شغل آتش‌نشان داوطلب رسانده است. او دختری هفده‌ساله و پسری چهارده‌ساله دارد که حالا در کنار مادر تلاش می‌کنند مسائل و نکات مختلف ایمنی و پیش‌گیری از حادثه را به هم‌سن‌وسالانشان بیاموزند. فاطمه از علاقه به شغلش این‌گونه می‌گوید: تا قبل از سال ۹۰ هیچ بانوی آتش‌نشانی در مشهد نبود. حتی خود من هم چیزی از درباره این شغل نشنیده بودم اما از بچگی عاشق هیجان بودم. اوایل فکر می‌کردم می‌توانم پلیس مبارزه با مواد مخدر شوم اما اولین مرتبه‌ای که در کلاس‌های آموش شهروندی شرکت کردم، فهمیدم که گمشده من در این سال‌ها شغل آتش‌نشانی بوده است. نمره بالایی گرفتم و بعد از گذشت مدتی، مدیریت سازمان آتش‌نشانی مشهد با توجه به جمعیت بانوان در شهر، به این نتیجه رسید که باید از بانوان آتش‌نشان استفاده کند. به همین دلیل، من و تعدادی از بانوان داوطلب چند سالی است در مأموریت‌ها و عملیات‌ها شرکت می‌کنیم.

با آموزش به زنان از آتش گرفتن خانه‌ها جلوگیری کنیم

فاطمه تأثیر حضورش در آتش‌نشانی را از جذب حداکثری زنان اطرافش می‌داند و اینکه زنان با نکاتی آشنا شدند که کمتر درباره آن می‌دانستند. «زنان خانه‌دار این روزها درگیر روزمرگی شده‌اند و برخی‌ها درس را کنار گذاشته‌اند و فکر می‌کنند حتما باید در بیرون از خانه شاغل باشند. این در صورتی است که می‌توان در کنار مادرانگی، فعالیت‌های اجتماعی را نیز انجام داد و بسیار مفید بود.»
او با توجه به اهمیت آگاهی از نکات کلیدی و سوانح برای زنان می‌گوید: بخش سوختگی بیمارستان امام‌رضا(ع) همیشه شاهد زنانی است که می‌توانستند به‌راحتی آتش را در خانه‌شان خاموش کنند اما متأسفانه نه رسانه‌ها و نه صداوسیما به این مسئله اهمیت ندادند. بانوان زیادی هستند که نمی‌دانند چطور از خاموش‌کننده‌ها استفاده کنند یا وقتی شعله روغن غذا در ماهی‌تابه آتش می‌گیرد در آن آب نریزند زیرا این کار باعث سوختگی صورت فرد می‌شود. اگر دقت کنید، دم‌کنی روی قابلمه اکثر خانه‌ها مقداری سوختگی دارد که می‌توان آن را به‌راحتی با آب خاموش کرد اما همین مسئله باعث آتش گرفتن آشپزخانه شده است. یکی از عمده کارهایی که بانوان آتش‌نشان می‌توانند در آن تأثیرگذار باشند آموزش به زنان است. فاطمه پیلتن چند سالی است که در مدارس به دختران مقابله با حادثه و آتش را آموزش می‌دهد. او که این روزها در حال تحصیل در رشته امداد و سوانح نیز هست اهمیت آموزش شهروندی را از سنین کودکی بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: از آنجایی که دوره‌های امدادگری در هلال احمر را هم گذرانده‌ام در هر جمع زنانه یا خانوادگی و دوستانه تلاش می‌کنم نکات مختلفی مانند گیر کردن اشیا در گلو را آموزش دهم زیرا گاهی تنها با ضربه‌ای کوتاه می‌توانیم از مرگ افراد جلوگیری کنیم یا اگر کسی دچار سکته قلبی شود، اطرافیان قادرند به‌سرعت با ماساژ قلبی، بدن را احیا کنند. البته به‌زودی در هنرستان دخترانه ریحانه رشته ایمنی و مقابله با سوانح تدریس می‌شود.

زنان به حضور بانوان آتش‌نشان دلگرم هستند

مهم‌ترین بخشی که بانوان آتش‌نشان می‌توانند در آن مؤثر باشند فضاهای کاملا زنانه مانند استخرها، سالن‌های ورزشی بانوان و مراکز تفریحی سرپوشیده آبی است: چند سال پیش، جریان برق در یکی از مراکز آبی و تفریحی مشهد حدود ساعت ۱۱ شب قطع شد. برخی از زنان در سرسره‌ها گیر کرده و برخی فرزندانشان را گم کرده بودند اما ورود بانوان آتش‌نشان حقیقتا دلگرم‌کننده بود. تیم بانوان آتش‌نشان تلاش کرد آرامش را به محیط برگرداند.

ما خادمان بی‌چون‌وچرای امام رضاییم

چند سالی است که آخر ماه صفر، مشهد مقدس با حضور زائران زیادی روبه‌رو می‌شود. یکی از عمده کارهای بانوان آتش‌نشان آماده‌باش و رسیدگی به موکب‌هاست. فاطمه می‌گوید: بازدید از موکب‌ها قبل از رسیدن زائران انجام می‌شود و بیشتر بانوان آتش‌نشان به عنوان خادمان افتخاری حضور دارند. حرم مطهر رضوی به صورت اختصاصی ایستگاه آتش‌نشانی دارد. در روزهایی که تعداد زائران بیش از همیشه است، بانوان آتش‌نشان در حرم حاضرند. فاطمه در این باره می‌گوید: بخش‌های پرخطر را تذکر داده‌ایم و این تعامل با آتش‌نشانی داخل حرم وجود داشته است.

هیچ آتش‌نشانی برای پول وارد این کار نمی‌شود

بانوان آتش‌نشان در مشهد این روزها منتظرند با پیگیری‌های صورت گرفته به صورت رسمی وارد این کار شوند اما این مسئله دغدغه اصلی پیلتن نیست او می‌گوید: جان آدم را با چه مبلغی می‌توان عوض کرد؟ هیچ کدام از آتش‌نشان‌های رسمی و داوطلب برای پول وارد این کار نشده‌اند. زمانی که همه مردم از آتش فرار می‌کنند این آتش‌نشان است که به دل آتش می‌زند. این روزها مدیریت سازمان آتش‌نشانی مشهد به طور مستمر پیگیر رسیدگی به مسائل بانوان آتش‌نشان است و می‌دانیم بالاخره مشکلات ما نیز برطرف می‌شود.
او اعضای خانواده افراد حادثه‌دیده را همانند خانواده خودش می‌داند و می‌گوید: روزی بانویی در اتاقی محبوس شده بود. وقتی برای کمک به او اعزام شدم، آن خانم فریاد می‌زد: مردی داخل نشود. وقتی آن بانو را نجات دادیم، بی‌نهایت از اینکه ۲ بانوی آتش‌نشان او و فرزندش را از معرکه نجات داده بود خوشحال شد. حتی من و همکارم را در آغوش گرفت و گفت شما را مانند ۲ فرشته نجات می‌دانم. برخی از زنان در لحظه حادثه، پوشش مناسبی ندارند. حتی گاهی پیش آمده که همسر فرد هم معذب بوده است و از اینکه بانوان آتش‌نشان سر حادثه حاضر بوده‌اند، خوشحال هستند.

رسانه‌ها کمک کنند

فاطمه پیلتن که جزو اولین بانوان آتش‌نشان داوطلب مشهد در دهه ۹۰ است، از تمام رسانه‌های استان می‌خواهد آموزش مواجهه با حادثه را برای بانوان جدی بگیرند و بدانند که آموزش و حضور زنان در رشته‌هایی مانند ایمنی و پیش‌گیری و امداد و سوانح کمک به همه خانواده‌هاست.

بانوان آتش‌نشان با وجود کار سنگین، سخت و استرس‌آور هنوز به طور رسمی جذب این سازمان نشده‌اند و حقوق ناچیزی در حد حق‌الزحمه دریافت می‌کنند که اگر به عملیات اعزام شوند ۲ برابر می‌شود. در غیر این صورت همان مبلغ برایشان واریز می‌شود

بخش سوختگی بیمارستان امام‌رضا(ع) همیشه شاهد زنانی است که می‌توانستند به‌راحتی آتش را در خانه‌شان خاموش کنند اما متأسفانه نه رسانه‌ها و نه صداوسیما به این مسئله اهمیت ندادند. بانوان زیادی هستند که نمی‌دانند چطور از خاموش‌کننده‌ها استفاده کنند

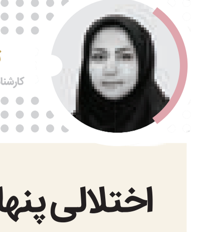
تکتم جاوید
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

مهربانو

اختلالی پنهان در بی‌نظمی‌های مدام

● «مدیر بی‌نظمی در خانه ما شوهرم است. به محض اینکه وارد می‌شود، شروع می‌کند به ریخت‌وپاش. نیمی از بحث‌ها و دعواهای ما سر این است که می‌گویم مرتب باشد و او گوشش بدهکار نیست.»
● «معلوم است مرا دوست ندارد. اگر دوست داشت، به من توجه می‌کرد. اگر لباس جدیدی بپوشم یا وقتی از آرایشگاه می‌آیم، اصلا متوجه تغییرات نمی‌شود. اصلا حواسش به من نیست.»
● «مدام دسته کلید خانه و مغازه‌اش، سوئیچ ماشین، تلفن همراه و خلاصه هر وسیله‌ای را که دستش باشد یک جا می‌گذارد و می‌رود. چند بار دسته کلید جدید ساخته. یک بار هم اصلا یادش نیامد تلفنش را کجا گذاشته است و دیگر پیدا نشد. خسته شده‌ام از بس باید یادآوری کنم که وسایلش را بردارد یا خودم دنبالش رفتم و آن‌ها را برداشتم.»
● «من یک پسر کوچک سه‌ساله و یک پسر سی‌وشش‌ساله دارم! هرقدر باید مراقب بچه‌ام باشم، باید از پدرش هم نگهداری کنم، ولی مراقبت کردن از مردی که بدقولی‌اش زبانزد فامیل و غریبه شده کار خیلی سختی است. همیشه برای این تربیت کردن از مادرش گله می‌کنم.»
شکایت پشت شکایت. هر روز بحث، هرروز دعوا. یک روز قهر می‌کند و روز دیگر با زبان‌بازی می‌خواهد شوهرش را راضی کند کمی مرتب‌تر و منظم‌تر باشد اما «آنچه البته به جایی نرسد فریاد است».
همین ماجرای نامنظم بودن در امور شخصی یا بدقولی و حواس‌پرتی می‌تواند زمینه همه دلخوری‌ها و کم‌وکسری‌های زندگی باشد. یعنی از هر موضوعی ناراحت می‌شود اولش تحقیر و سرزنش به خاطر همین شلختگی است. توصیه، نصیحت، خواهش و تمنا هم برنمی‌دارد چون اگر مؤثر بود، از ابتدای زندگی و آن همه تحمل کردن بالاخره اثر می‌گذاشت.
طبیعی است زن و مردی که از ۲ خانواده، ۲ تربیت و ۲ محیط زندگی جدا قرار است زیر یک سقف زندگی کنند تفاوت‌هایی با هم داشته باشند اما گاهی این تفاوت‌ها فقط به دلیل عوامل ذکرشده نیست. شما بانوی محترم که مدام کنار این و آن می‌نشینید و از بی‌نظمی شوهرتان گله می‌کنید، می‌دانستید این‌ها شاید نشانه یک اختلال در او باشد؟
برخی از مشکلات روحی از بدو تولد همراه ما هستند همچون اختلال بیش‌فعالی. شنیدن نام بیش‌فعالی شاید شما را به یاد پسربچه کوچکی بیندازد که از در و دیوار بالا می‌رود و یک لحظه آرام و قرار ندارد اما این اختلالی است که بزرگ‌سالان هم با آن درگیرند. بزرگ‌سالانی که دچار این اختلال‌اند نشانه‌هایی همچون نبود توجه و تمرکز، انجام کارهایی بدون فکر کردن به عواقب آن، بی‌نظمی در کارها، بی‌ثباتی هیجانی، گم کردن وسایل شخصی، تمرکز نداشتن در درس‌خواندن، حواس‌پرتی در محیط کار، بی‌ثباتی در یک شغل، ضعف در توانایی‌های ورزشی، دستخط بد، تصمیم عجولانه برای ازدواج یا طلاق و رانندگی پرخطر را تجربه می‌کنند.
اگر این ویژگی‌ها را در همسر خود می‌بینید، بدون برچسب‌زدن و قضاوت زودهنگام، برای تشخیص قطعی، او را راهنمایی کنید به یک روان‌شناس مراجعه کند. حتما به خاطر بسپارید که داشتن یک یا چند نشانه از این موارد در افراد یا در یک مقطع خاص زندگی نشانه بیش‌فعالی نیست و می‌تواند پای اختلال دیگری چون اضطراب در میان باشد.

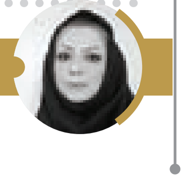
فرانک رحیمی
دکترای علوم ارتباطات

هنگامه

شناخت رسانه‌ها و آگاهی‌بخشی زنان در برخورد با انواع محتوا

زنان به عنوان بخشی اعظم از مخاطبان رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی، در مواجهه با محتوای رسانه‌ها چه برخوردی دارند؟ آن‌ها از چه قشر، سن و با چه تحصیلاتی هستند و نظام فرهنگی جامعه آن‌ها چیست؟ امروزه با توجه به تعدد رسانه‌ها از جمله تلویزیون و رادیوها، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، انواع شبکه‌های اجتماعی مجازی نظیر تلگرام، اینستاگرام، توییتر، فیسبوک، واتس‌اپ و غیره، این سؤال مطرح می‌شود که زنان اغلب از چه رسانه‌هایی و چه نوع محتواهایی استفاده می‌کنند و چگونه از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند؟ با توجه به انواع رسانه‌ها و فضای مجازی و دسترسی همگان به اینترنت، امنیت و سلامت روان زنان و وابستگی و نوعی اعتیاد اینترنتی، در عصر ارتباطات و انواع رسانه‌های جمعی، مسئله‌ای حائز اهمیت است که تحقیقات متعددی را می‌طلبد. داشتن آگاهی و آموزش در روبه‌رو شدن با انواع پیام‌ها توسط زنان مخاطبان بسیار حائز اهمیت است. فضای مجازی از افراد حقیقی تشکیل شده است. بنابراین زنان به صورت خودآگاه و ناخودآگاه تحت تأثیر محتواها قرار می‌گیرند و بر اساس میزان آگاهی، آن محتوا را تأیید یا رد می‌کنند.
«نظریه تزریقی» و «نظریه استفاده و رضایتمندی» بیانگر این مهم است. نظریه تزریقی یا گلوله جادویی نشان‌دهنده آثار مستقیمی است که رسانه‌ها بر مخاطبان می‌گذارند. این نوع نظریه در تبلیغات نازی‌ها در دهه ۱۹۴۰ کارایی داشت. این نظریه، به عنوان یک تئوری گرافیکی، پیام رسانه‌ها را با یک گلوله شلیک شده از تفنگ رسانه به بیننده برخورد می‌کند. مطابق این نظریه، پیام رسانه به طور مستقیم به مخاطب تزریق می‌شود و مخاطبان کاملا منفعل‌اند و نمی‌توانند از تأثیر رسانه‌ها بگریزند. این نظریه مصداق الگوی تأثیر مطلق محتوای رسانه‌ای بر نگرش و رفتار مخاطبان است و گویای آن است که محتوای رسانه‌ها و پیام‌های رسانه‌ای به طور یکسان و یکنواخت به همه مخاطبان می‌رسد و تأثیری مستقیم و فوری بر جای می‌گذارد.
زنان اغلب در معرض چه محتواهایی از رسانه‌ها هستند؟ آیا آن محتوا را خودشان گزینش و انتخاب می‌کنند یا در هجوم انواع شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها و تبلیغات، منفعل و مسخ‌شده‌اند؟ زنان تحت چه آسیب‌های روحی و روانی و تضاد و دوگانگی، در برخورد با محتواهایی که با ارزش‌های محوری آن‌ها در نظام فرهنگی جامعه و هویت اجتماعی آن‌ها سازگاری ندارد، قرار می‌گیرند؟ از لحاظ آسیب‌شناسی رسانه‌ها، مصرف رسانه‌ای نوعی فرهنگ رسانه‌ای در اقشار و سطوح مختلف جامعه به‌ویژه زنان ایجاد کرده است که گاه با فرهنگ بومی و اجتماعی در تضاد است. مادامی که خودباوری و آگاهی‌رسانی و جایگزینی برای محتواهای رسانه‌های فرامرزی وجود نداشته باشد و اطلاع‌رسانی و آموزش به زنان و افراد جامعه از طریق متخصصان از جمله صاحب‌نظران علوم ارتباطات و رسانه‌ها، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و نویسندگان صورت نگیرد، زنان می‌توانند تحت تأثیر انواع محتوای رسانه‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی که با اهداف خاص و تبلیغات آشکار و پنهان برنامه‌ریزی شده است قرار گیرند. البته تمامی پیام‌ها و محتواهای رسانه‌ها برای زنان باعث آسیب‌رسانی نیست و چه بسا محتواهای آموزشی بسیار خوبی نیز وجود دارد، اقتصاد سیاسی رسانه و زیر بنای رسانه‌ها و محتواهای آن‌ها باید توسط متخصصان مورد بررسی قرار گیرد که چه نوع محتواهایی را برای چه قشری و با چه هدفی تولید می‌کنند. این رسانه‌ها از سوی چه افرادی حمایت می‌شوند؟ شبکه‌های اجتماعی مجازی با چه هدفی چنین تبلیغات خاصی را راه‌اندازی می‌کنند؟ اینجا نظریه استفاده و رضایتمندی اشاره به این دارد که ضمن فعال انگاشتن مخاطب، بر نیازها و انگیزه‌های او در استفاده از رسانه‌ها تأکید می‌کند و بر آن است که ارزش‌ها، علایق و نقش اجتماعی مخاطبان مهم است و مردم براساس این عوامل آنچه را می‌خواهند ببینند و بشنوند انتخاب می‌کنند. پرسش اساسی نظریه استفاده و رضامندی این است که چرا مردم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و آن‌ها را برای چه منظوری به کار می‌گیرند. پاسخ به‌اجمال این است که مردم برای کسب راهنمایی، آرامش، سازگاری، اطلاعات و شکل گیری هویت شخصی، از رسانه‌ها استفاده می‌کنند «دنیس مک کوئیل استاد و نظریه‌پرداز ارتباطات». لذا شناخت رسانه‌های داخلی و خارجی و سواد رسانه‌ای، بررسی و تحلیل پیام‌های ارتباطی و زیر ساختی آن، مانند متن‌ها، صداها، تصاویر هر کدام می‌تواند مورد تحلیل و بررسی موشکافانه قرار گیرد تا زنان را از آسیب‌های احتمالی محتوای پیام ها حفظ کند و در مقابل محتواهایی نیز باعث رشد و تعالی آنان شناسایی و تفکیک شود. اینجا این سؤال مطرح می‌شود که شما، زنان، اغلب از چه شبکه‌های اجتماعی مجازی و از چه رسانه‌هایی استفاده می‌کنید و دلیل آن چیست. ابتدا باید پاسخ هایی برای خودتان داشته باشید. حتما آن‌ها را یادداشت کنید.

دریچه

دکتر منصوره میرزاده
خانواده‌درمانگر

چگونه می‌توانیم دخترانی مسئولیت‌پذیر تربیت کنیم؟

با دگرگون شدن دنیای امروز و ساختار خانواده، زنان نقش پررنگ‌تری در فعالیت‌های اجتماعی دارند اما همچنان نقش زن در خانه پررنگ و تأثیرگذار است. لذا والدین باید فرزندانی توانمند و قدرتمند پرورش دهند تا از اعتماد به نفس و عزت‌نفس کافی برخوردار باشند.
برخلاف تصور برخی والدین که بر این عقیده‌اند: نباید فرزندانمان سختی بکشند و یا توبیخ شوند زیرا ممکن است اعتماد به نفس آن‌ها خدشه‌دار شود، روان‌شناسان اعتقاد دارند و تأکید می‌کنند که در تربیت و پرورش دختران و پسران، در ابراز محبت از یک طرف و پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری از طرف دیگر، باید تعادل داشته باشیم.
والدین که خود محصول فرزندپروری سنتی و پدرسالارانه هستند مایل‌اند فرزندشان حتی‌المقدور زندگی راحتی داشته باشد، و به او مسئولیت نمی‌دهند، غافل از اینکه آنچه باعث بالندگی و خودکفایی شده همان سخت‌گیری‌ها و البته در کنارش دلگرمی‌ها و دلخوشی‌های کوچک اما واقعی بوده است.
بنابراین تعداد بسیاری از والدین، تربیتی را که در دوران سختی باعث شده بود خود رابیابند اکنون از فرزندانشان دریغ می‌کنند. این کار والدین شبیه آن فردی است که وقتی می‌بیند پروانه برای بیرون آمدن از پیله تا چه اندازه مشقت می‌کشد؛ از روی ترحم نابجا پیله را سوراخ می‌کند و آن پروانه هرگز قدرت کافی برای پرواز پیدا نمی‌کند.
پس برای توانمندسازی دختران، والدین ابتدا باید تغییر نگرش و تغییر رفتار را از خود شروع کنند.
برای اینکه فرزند شما (دختر یا پسر) بتواند قدرت کافی برای غلبه بر سختی‌ها و واقعیت‌های جامعه داشته باشد، لازم است از شیوه پرورش با کفایت استفاده کنید.
توانمندی دختران بر اساس توجه به نیازهای عاطفی اساسی شکل می‌گیرد. نیازهای عاطفی اساسی شامل رابطه مثبت و مؤثر، پذیرش و احترام، کسب خودگردانی سالم و ایجاد محدودیت معقول و انتظارات واقع‌بینانه از فرزند است.
مهم است که در کنار این نیازها نیاز بنیادین دیگری نیز که همانا ارزش‌های معنوی و معیارهای اجتماعی است مورد توجه و سرلوحه تمام این نیازها قرار گیرد.
یکی از نیازهای عاطفی اساسی «خودگردانی و عملکرد سالم» است که می‌توان آن را این گونه تعریف کرد: خودگردانی و عملکرد سالم یعنی کمک به فرزندان برای تکامل شخصیت، توانایی‌ها، اعتماد به نفس و احترام به همنوع، و توانایی سازگاری سالم با دیگران تا آن‌ها به یک فرد بزرگ‌سال سالم و مستقل تبدیل شوند.
کودکی که نیاز خودگردانی و عملکرد سالم در او تأمین می‌شود ویژگی‌هایی مانند اعتماد به نفس، سلامت نفس، کفایت و عدم وابستگی، احساس تمایزیافتگی و تکامل، ثبات شخصیت، ابراز وجود و خوش‌بینی در او شکل می‌گیرد.
کودکانی که بیش از اندازه توسط والدین حمایت می‌شوند یا کنترل می‌گردند مسئولیتی به آن‌ها سپرده نمی‌شود و همه‌چیز بدون حد و مرز و چهارچوب در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، در آینده قادر به اداره امور زندگی شخصی خود نخواهند بود و احساس وابستگی و نبود کفایت خواهند کرد. این افراد خودخواه، خودشیفته و وابسته خواهند بود. هنگامی که با واقعیت زندگی روبه‌رو شوند، به دلیل بی‌تصمیمی و ناتوانی در حل مسئله، افرادی شکننده و کم‌صبر خواهند بود.
مادران عزیز و همین‌طور پدران گرامی که فرزند دختر دارید، توجه داشته باشید قدرتمند بودن دختران به معنای اعمال قدرت و زورگو بودن نیست. دادن قدرت یعنی توانایی مولد بودن، پرورش دادن و تأثیر مثبت و مفید بر جامعه، اما اعمال قدرت یعنی کنترلگری. باید بدانید کنترلگری مخرب است.
اگر بزرگ‌ترین شرمندگی برای یک مرد ضعف اوست، بزرگ‌ترین شرمندگی برای یک زن خودخواه بودن اوست.
هدف ما در فرزندپروری با کفایت، پرورش دخترانی است که در موقعیت‌های واقعی زندگی تصمیم درست بگیرند و از استعدادها و آموزه‌های خود بجا استفاده کنند، با پیامدها و نتایج انتخاب‌ها و تصمیم‌های خود روبه‌رو شوند، و مسئولیت انتخاب خود (فارغ از اینکه نتایج آن قابل قبول است یا نه) را برعهده بگیرند.
افراط و تفریط در خودگردانی کودک باعث کمبود عزت نفس می‌شود. آن‌ها ممکن است خود را افرادی ناامن و بی‌انگیزه ببینند. والدینی که در برنامه‌های تحصیلی و امور زندگی برای کودکان خود اهداف مشخص خطوط قرمز و محدودیت‌های معقول اما واضح و شفاف تعریف کنند، خودگردانی در کودک را شکل می‌دهند.
لازم است اگر خانواده وظیفه‌ای به فرزند خود می‌دهد که متناسب با سطح سنی اوست، قاطع باشد و از تسلیم بی‌چون‌وچرا در قبال خواسته‌های فرزند بپرهیزد، در برخورد با کودک، دمدمی، شکننده، سست و بی‌اراده نباشد و سریع تسلیم رفتارهای ترحم‌برانگیز او نشود.
دخترانی (پسران هم) که نیاز اساسی خودگردانی در آن‌ها تأمین و تقویت نشده است، زمانی که به بزرگ‌سالی می‌رسند، قادر به تصمیم‌گیری مستقل نیستند و به مادران خود وابسته‌اند.
این دختران (و پسران) ممکن است به دلیل وابستگی به همسر، مادر، دوست یا هر فرد مهمی در زندگی‌شان، باعث رنجش شریک زندگی و همین‌طور دیگران شوند و بدین ترتیب، اختلافات بین فردی و زناشویی به وجود بیاید و لحظات سخت و دشواری را تجربه کند.
اجازه دهید فرزند شما در برخی امور تصمیم بگیرد و اگر تصمیمش نادرست بود، انتقاد نکنید. در مواردی که مردد است، شما وارد عمل نشوید. بگذارید خودش فکر کند. به جای او تصمیم نگیرید. فرصت بدهید تجربه بیندوزد، حتی اگر اشتباه کند و خودش اشتباهش را جبران کند. مهم است خود والدین بر ترس‌ها و نبود اعتماد غلبه کنند. در غیر این صورت، ترس از اشتباه مانع استقلال و خلاقیت در فرزندان خواهد بود.